

فصلنامه علمی سراج منیر، سال یازدهم، شماره ۳۸، بهار ۱۳۹۹، صص ۱۶۷-۱۹۴

مقاله پژوهشی

ماهیت تدبیر موضوعی در قرآن کریم

علی رضا لکزایی

دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد یزد، یزد، ایران

ابوالقاسم عاصی مذنب*

استادیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد، یزد، ایران

محمد رضا شایق

استادیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه یزد، یزد، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۰۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۱۰)

چکیده

ساختار ویژه قرآن اقتضا می‌نماید که به منظور دسترسی به نظر قرآن پیرامون موضوعات مختلف، باید نگرشی هماهنگ و جامع به آیات آن داشت. معارف قرآن کریم دارای مراتب و درجات مختلف است؛ تدبیر، تفسیر و تأویل از مهم‌ترین راه‌های فهم قرآن می‌باشد. بین این سه واژه، رابطه عموم و خصوص و اخص برقرار است؛ عموم مردم از طریق تدبیر، به گهرهای موجود در قرآن دسترسی پیدا می‌کنند، مفسران با بهره گرفتن از ابزارهای تخصصی در سطحی بالاتر تدبیر می‌نمایند. تدبیر در عرصه تأویل بخشی از قرآن کریم - حقیقت و باطن کلام الهی - در انحصار معصومان (ع) است. تدبیر موضوعی شیوه‌ای نوین در روش‌های فهم قرآن محسوب می‌شود؛ فرآیندی است که با بهره‌گیری از آن می‌توان با مراجعه‌ی مستقیم به کتاب الهی، دیدگاه قرآن را درباره مسائل و موضوعات مختلف زندگی و معارف وحیانی استخراج نمود. در تحقیقات پژوهشگران و مفسران، این مهارت توأم با تفسیر موضوعی - بدون ذکر عنوان تدبیر موضوعی - و در خلال آن کاربرد داشته‌است. این تحقیق به شیوه تطبیقی - تحلیلی با بررسی ارتباط و تفاوت تدبیر با واژگان قریب‌المعنی به تبیین ماهیت تدبیر موضوعی پرداخته‌است.

واژگان کلیدی: قرآن، تدبیر موضوعی، تدبیر ترتیبی، تفسیر موضوعی، تأویل.

* نویسنده مسئول (E-mail: Mozneb1@iauyazd.ac.ir)

۱. مقدمه

شیوهٔ چینش آیات و سوره‌های قرآن کریم به نحوی است که برای یافتن دیدگاه قرآن راجع به موضوعات مختلف، می‌بایست نگرشی جامع و هماهنگ به آیات پیرامون آن موضوع داشت. عدم رعایت این مهم موجب بروز تصور اختلاف و ناهماهنگی در قرآن می‌شود. دشمنان تشیع با استناد به یک یا دو آیه و عدم ارائهٔ عمده سائر آیات، به طرز گسترده‌ای به طرح شبهه پرداخته و با این ترفند در صدد تضعیف باورها و اعتقادات مذهبی مردم برآمده‌اند (ر.ک؛ بخاری، ۱۴۰۳، ۱: ۳۶؛ ۸: ۸۳؛ ۹: ۱۶۰).

تدبیر موضوعی فرآیندی است که به کشف نظر قرآن پیرامون موضوعات گوناگون می‌پردازد و از طریق آن می‌توان به سؤالات و شبهات پاسخ داد. هم‌چنین تدبیر موضوعی راهی برای دستیابی به ذخایر بی‌کران و گنجینه‌های نهفته در آیات قرآن است. از دیگر برکات اشاعهٔ روش تدبیر موضوعی، زدوده شدن زنگارهای شک و تردید، و تقویت ایمان افراد جامعه می‌باشد. به دلیل اشتراک حوزهٔ عملکردی تفسیر موضوعی و تدبیر موضوعی، مرز بین این دو فن به درستی تفکیک نشده است. ولی مفسران قرآن بدون این - که آشکارا به عنوان تدبیر موضوعی تصریح نمایند، تحت عنوان کلی «تفسیر موضوعی» آن را به کار می‌بسته و از ثمرات آن بهره‌مند می‌شده‌اند.

با توجه به ذومراتب بودن معارف کلام الهی، و عمومی بودن وظیفه تدبیر در قرآن - اعم از تدبیر ترتیبی و تدبیر موضوعی - ضروریست حیطةٔ وظایف هر صنف از مردم در استنباط از قرآن به درستی تبیین گردد. ماهیت‌شناسی و روش‌شناسی تدبیر موضوعی در قرآن کریم کاری جدید است؛ هرچند که پژوهش‌هایی در این زمینه صورت گرفته است (ر.ک؛ الهی‌زاده، ۱۳۹۳؛ آل موسی، ۱۴۳۰ق)، اما به نتایج این تحقیق‌ها نقدهایی وارد شده که جامعیت و شمول تعریف ارائه شده از تدبیر موضوعی توسط ایشان را مورد تردید قرار می‌دهد (ر.ک؛ لک‌زایی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۵۵-۱۹۳). در این مقاله، سعی نگارنده بر آن است که از طریق تعیین رابطه و مرز میان تدبیر با واژگان قریب‌المعنی، هم‌چنین تطبیق روش تدبیر موضوعی با روش تفسیر موضوعی، ماهیت تدبیر موضوعی را تبیین

نماید. برای دستیابی به ماهیت تدبیر موضوعی ابتدا تعریف تدبیر به صورت مطلق بیان می‌گردد، سپس تعریف تدبیر موضوعی ارائه خواهد شد.

پیرامون تفسیر موضوعی تحقیقات گسترده‌ای صورت گرفته اما تدبیر موضوعی مقوله-ای نوظهور می‌باشد و در مورد ماهیت و روش‌شناسی تدبیر موضوعی پژوهش‌های اندکی عرضه شده است. شیخ علی آل موسی (۱۴۳۰) در کتاب التدریس الموضوعی فی القرآن الکریم، بین تدبیر موضوعی و تفسیر موضوعی تفاوتی قایل نشده و این دو اصطلاح را معادل یکدیگر به کار برده است. از نظر او، تدبیر موضوعی علمی است روشمند و دارای گام‌ها و مراحل است که از طریق آن می‌توان با گردآوری آیات هم‌مضمون به کشف موضع‌گیری قرآن در هر زمینه پرداخت. همچنین مرادی زنجانی و لسانی فشارکی (۱۳۸۶) در کتاب روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم، تفاوت‌های تدبیر موضوعی با تفسیر موضوعی را برشمرده و انجام تحقیق موضوعی توسط عموم مردم را امری ممکن ذکر نموده‌اند. از نظر این محققان، تدبیر موضوعی طی چهار مرحله مقدماتی، مفهوم‌یابی، گسترش یا فشرده کردن، تدوین و تألیف صورت می‌پذیرد.

الهی‌زاده (۱۳۹۳) نیز در کتاب درسنامه تدبیر موضوعی قرآن، مبادی، مبانی و روش تدبیری پیشنهادی خویش را به تفصیل شرح داده و در پایان نمونه‌ای از تدبیر موضوعی حول موضوع شفاعت را ارائه نموده است. علاوه بر کتاب‌های مذکور، راغب‌الخری (۲۰۱۶) نیز کتابی با عنوان منهج التدریس الموضوعی المعاصر للقرآن الکریم تألیف نموده است؛ وی در این اثر، به مبانی و اصول کلی برداشت از قرآن اشاره کرده و مقصود خود از تدبیر موضوعی را منحصرآ کشف پیام اصلی و محوری سوره بر مبنای فهم سیاقی آیات و وحدت موضوعی سوره‌های قرآن بیان کرده است. جنابی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان نظریه مبنای «رهبری تحوّل» در اجتماعات انسانی بر اساس تدبیر موضوعی در آیات قرآن کریم، به شیوه تدبیر موضوعی و با رویکرد کیفی سعی نموده‌اند به نظریه مذکور دست یابند. ایشان پس از گردآوری آیات مرتبط، فهرستی از گزاره‌های اولیه استخراج نموده و سپس مجموعه‌ای از گزاره‌ها را در قالب اصول نظریه مبنای

«رهبری تحول» در ۳۰ اصل تدوین نموده‌اند. در نهایت، لک‌زایی و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله امکان تدبیر موضوعی در قرآن کریم توسط عموم مردم، با جست‌وجو در روایات معصومان^(ع) به ذومراتب بودن معارف قرآن اشاره کرده‌اند؛ سپس دلایل قابل فهم بودن ظاهر قرآن کریم برای همگان را برشمرده و با در نظر داشتن هدف از نزول قرآن - هدایت عموم مردم - و عام بودن وظیفه تدبیر در قرآن، انجام تدبیر موضوعی توسط افراد غیرمتخصص را - با کسب مقدمات لازم - امکان پذیر دانسته‌اند.

۲. تعریف تدبیر در قرآن و ارتباط آن با واژگان قریب المعنی

ابتدا مفهوم تدبیر ارائه می‌گردد؛ سپس به بررسی ارتباط آن با واژگان قریب‌المعنی پرداخته می‌شود.

۲-۱. تعریف تدبیر

واژه تدبیر، مصدر باب تفعّل از ریشه «دبر» می‌باشد. معنای لغوی این ریشه، به معنی عقب، آخر، پی و پشت سر اشیا است (ر.ک؛ مصطفوی، ۱۳۶۸، ۳: ۱۷۳؛ طریحی، ۱۳۷۵، ۳: ۲۹۸؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۰۶؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ۴: ۲۶۸؛ فراهیدی، ۱۴۰۹: ۳۱). برای یافتن معنای اصطلاحی واژه «تدبیر» به بررسی دیدگاه‌های صاحب‌نظران در این زمینه می‌پردازیم:

- تفکر در معانی آیات (گنابادی، ۱۴۰۸، ۲: ۴۰؛ اسفراینی، ۱۳۷۵، ۲: ۵۱۳؛ حسینی شیرازی، ۱۴۲۳: ۱۰۲).
- تأمل در معانی آیات (طبرسی، ۱۳۷۲، ۱: ۲۷۳).
- تفکر و تأمل در معانی آیات و با دقت نگرستن در آنچه در آن است (زمخشری، ۱۴۰۷، ۱: ۵۴۰؛ طوسی، ۱۳۷۶، ۳: ۲۷۱؛ بیضاوی، ۱۴۱۸، ۲: ۸۶).
- نگرستن و فکر کردن در غایات و مقاصدی است که به آن آیات برمی‌گردد (حجازی، ۱۴۱۳، ۱: ۴۰۳).

- تأمل در معانی آیات و تفکر در حکمت‌ها و تیزبینی در آن چه از نشانه‌ها در آن است (بغدادی، ۱۴۱۵، ۱: ۴۰۲).
 - تفسیر و تطبیق آیات با یکدیگر توأم با حرکت فکری (آملی، ۱۴۲۲، ۱: ۱۳۴).
 - تأمل در آیه پس از آیه دیگر، یا به معنای تأمل بعد از تأمل در آیه است (طباطبائی، ۱۴۱۷، ۵: ۱۹).
 - به کار بستن عمیق عقل در قرآن برای دریافت هدایت الهی و استخراج افکار و شکل‌دهی به موضع‌گیری‌ها (آل موسی، ۱۴۳۰: ۲۳).
 - تلاوت راستین و ترتیل آیات (نقی پورفر، ۱۳۸۷: ۳۷۵).
 - تفهّم روشمند و هماهنگ ظاهر قرآن کریم (الهی‌زاده، ۱۳۹۵: ۲۸).
 - نگارنده در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود -هم‌رأی با برخی نویسندگان- از مجموع تعریف‌های ارائه شده چنین استنباط نموده که: تدبّر کارآمد در قرآن یک فرآیند است که از تلاوت آیات آغاز می‌شود و با تفکر عمیق و ژرف‌اندیشی در معنای واژه‌ها، آیات و پیام‌های آن‌ها و توجه به غایات و مقاصدی که آیات به آن‌ها متوجه است ادامه می‌یابد و با تعهد و التزام قلبی و عمل به مضامین آن‌ها ختم می‌گردد (ر.ک؛ لک‌زایی، ۱۳۹۱: ۱۵؛ محمدعلی نژاد، ۱۳۹۴، ۱۶۶-۱۶۷). اجزای این فرآیند عبارت است از:
 - تلاوت آیات
 - تلاش فکری جهت فهم معنا و مقصود مفردات، آیات، سوره، و کل قرآن
 - ∇ تعهد و التزام قلبی نسبت به پیام‌های قرآن
 - پی‌گیری عملی نتایج حاصله
- ۲-۲. مراتب تدبّر در قرآن**
- با تأمل در فرمایشات معصومان (ع) چنین دریافت می‌شود که ایشان به نوعی تقسیم‌بندی در کلام الهی قائل هستند و بر مبنای آن، میزان بهره‌مندی افراد از کلام خداوند نیز متفاوت خواهد بود.

عَنْ عَلِيٍّ (ع): «إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ بَسَعَةَ رَحْمَتِهِ وَرَأْفَتِهِ بِخَلْقِهِ وَعِلْمِهِ بِمَا يُحْدِثُهُ الْمُبَدِّلُونَ مِنْ تَغْيِيرِ كَلَامِهِ قَسَمَ كَلَامَهُ ثَلَاثَةَ أَقْسَامٍ فَجَعَلَ قِسْمًا مِنْهُ يَعْرِفُهُ الْعَالِمُ وَالْجَاهِلُ وَقِسْمًا لَا يَعْرِفُهُ إِلَّا مَنْ صَفَا ذَهْنُهُ وَلَطْفَ حِسُّهُ وَصَحَّ تَمْيِيزُهُ مِمَّنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ - وَقِسْمًا لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا اللَّهُ وَمَلَائِكَتُهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ وَإِنَّمَا فَعَلَ ذَلِكَ لِنَلَّا يَدْعَى أَهْلُ الْبَاطِلِ الْمُسْتَوَلِينَ عَلَى مِيرَاثِ رَسُولِ اللَّهِ ص مِنْ عِلْمِ الْكِتَابِ - مَا لَمْ يَجْعَلْهُ اللَّهُ لَهُمْ وَ لِيَقُودَهُمُ الْإِضْطِرَارُ إِلَى الْإِتِّمَامِ بِمَنْ وُلِيَ أَمْرَهُمْ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۸۹: ۴۵)؛ از حضرت علی (ع) نقل شده که فرمود: خداوند متعال، از آنجا که دارای رحمت گسترده و مهربانی به خلق است و می‌دانسته که در طول زمان دست‌های تحریف‌گر درصدد تغییر کلام او برمی‌آیند، کلام خویش را به سه دسته تقسیم کرده‌است: بخشی از معارف قرآن را به گونه‌ای قرار داده که عالم و عامی آن را می‌فهمند.

قسمتی دیگر را به گونه‌ای بیان کرده که جز ذهن‌های صاف و احساس‌های لطیف و نکته‌سنجانی که خداوند سینه‌های آنان را برای فهم اسلام فراخ کرده‌است، آن را در نمی‌یابند.

بخشی دیگر از معارف قرآن به گونه‌ای است که آن را جز خداوند، فرشتگان و راسخان در علم نمی‌فهمند. این کار را برای آن کرده‌است که اهل باطل به میراث پیامبر اکرم (ص) دست نیابند، تا از راه علم به کتاب، آنچه را که خداوند برای آنان قرار نداده ادعا نکنند و اضطرار، آنان را به مشورت با ولی امرشان وادار کند.

امام صادق (ع) این تقسیم‌بندی کلام الهی را به صورتی جزئی‌تر بیان کرده‌است: قَالَ الصَّادِقُ ع: «كِتَابُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى أَرْبَعَةِ أَشْيَاءَ عَلَى الْعِبَارَةِ وَالْإِشَارَةِ وَاللِّطَائِفِ وَالْحَقَائِقِ فَالْعِبَارَةُ لِلْعَوَامِّ وَالْإِشَارَةُ لِلْخَوَاصِّ وَاللِّطَائِفُ لِلْأَوْلِيَاءِ وَالْحَقَائِقُ لِلنَّبِيِّينَ» (همان: ۱۰۳)؛ امام صادق (ع) فرمود: کتاب خدای عز و جل دارای چهار چیز است: عبارت ظاهر، و اشاره، و لطایف، و حقایق؛ پس عبارت ظاهر برای عوام است و اشارت برای خواص و لطایف برای اولیا و حقایق برای انبیا.

بر اساس روایت فوق، قرآن چهار مرتبه فهم و تدبیر را داراست:

- الف. مرتبه «عبارات قرآن» که برای توده‌های مردمی از هر قشر و طبقه‌ای می‌باشد.
 ب. مرتبه «اشارات قرآن» که برای خواص مردم از مجتهدان و مفسران قرآن می‌باشد.
 ج. مرتبه «لطائف قرآن» و نکته‌سنجی‌های دقیق و عمیق آن که مختص شاگردان معصومین (ع)، علمای ربّانی، و اولیای الهی همچون «ابوذر و سلمان» در صدر اسلام و «مرحوم علامه طباطبائی و حضرت امام خمینی» در عصر حاضر می‌باشند.
 د. مرتبه حقایق و جان‌بی‌پرده قرآن که مختص معصومین (ع) اعم از انبیاء و چهارده معصوم می‌باشد (ر.ک؛ نقی‌پورفر، ۱۳۸۱: ۴۸۴-۴۸۵).

به طور قطع، بخشی از ظاهر قرآن در معرض فهم همگان است و فهم بخشی از باطن قرآن در انحصار خداوند و انبیا و خاصان مرتبط با مکتب وحی است و در این میان مرزی وجود دارد که عوام از درک آن بی‌بهره‌اند، بلکه آگاهان، تیزبینان و اهل دقت و معنویت می‌توانند بدان دست یابند؛ هرچند ایشان در مرتبه انبیا و پیوستگان با وحی قرار نداشته باشند که شاید بتوان گفت، لایه‌هایی از بطون قرآن هستند (علوی‌نژاد، ۱۳۸۵: ۱۴۷-۱۴۸). بنا بر این میزان فهم هر کس از قرآن کریم هم به مراتب درک شخصی و هم به مقدار علم و آگاهی و اطلاعات فردی او بستگی دارد و هم در کنار این موارد، به عامل مهم دیگری بستگی دارد که فراتر از شعاع درک و دانش انسان‌های معمولی و ویژه خاصان درگاه الهی است.

۲-۳. تفاوت و ارتباط تدبیر با واژگان قریب‌المعنی

فهم قرآن در سه چیز خلاصه می‌شود: الف. ظهور لفظی، که عرب فصیح آن را می‌فهمد؛ ب. حکم عقل فطری؛ ج. آنچه از معصومین در تفسیر آن آمده است (ر.ک؛ معرفت، ۱۳۷۹، ۱: ۱۲۹). تدبیر معبری است برای فهم قرآن کریم؛ انسان حق‌جو و حق‌گرا با هر تأمل و تفکر و تدبیر در آیه یا مجموعه‌ای از آیات هم مضمون، نکته و پیامی دریافت می‌نماید. در این عرصه، اندیشمندان اسلامی به منظور فهم صحیح آیات قرآن از علم تفسیر نیز بهره‌جسته و در حد ظرفیت خویش، گوه‌هایی صید نموده‌اند، اما از تأویل و درک

باطن برخی آیات عاجز مانده‌اند؛ زیرا تنها راه دست‌یابی به این مرتبه از فهم قرآن، تمسک به معصومان(ع) است. با توجه به موارد فوق، تبیین ارتباط میان تدبیر با اصطلاحات تفسیر و تأویل ضرورت پیدا می‌کند. لازمه تحقق این مهم، بیان تعریف دقیق مفهوم هر یک از واژه‌های مذکور می‌باشد. لازم به ذکر است در مباحث این بخش، واژه تدبیر به صورت مطلق به کار رفته و تدبیر ترتیبی و موضوعی را توأمان شامل می‌شود.

۲-۳-۱. تعریف تفسیر قرآن

برای «فسر» و «تفسیر» در مورد قرآن در کتب لغت چنین گفته‌اند: کشف مراد از لفظ مشکل(ر.ک؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ۵: ۵۵)، کشف معنای الفاظ و اظهار آن(ر.ک؛ طریحی، ۱۳۹۳، ۳: ۴۳۸؛ فیومی، ۱۴۱۴، ۲: ۴۷۹)، شرح قصص مجمل قرآن(ر.ک؛ رحسینی زبیدی، ۱۴۱۴، ۱۳: ۳۲۳). تفسیر در اصطلاح مفسران عبارت است از زدودن ابهام از لفظ مشکل و دشوار، که در انتقال معنای مورد نظر، نارسا و دچار اشکال است ... بنابراین، تفسیر در جایی است که گونه‌ای ابهام در لفظ وجود دارد که موجب ابهام در معنا و دلالت کلام می‌شود و برای زدودن ابهام و نارسایی، کوشش فراوانی می‌طلبد(ر.ک؛ معرفت، ۱۳۷۹، ۱: ۱۷-۱۸). این اصطلاح کاربرد عام دارد و مخصوص قرآن نیست و حتی در روایات هم برای غیر قرآن به کار رفته‌است اما در اثر کثرت استعمال، «بیان معنا و مدلول ظاهری آیات کریم و کشف مراد خدای تعالی از آن» به ذهن متبادر می‌شود و در عرف دانشمندان بلکه جمیع مسلمانان در همین معنا به کار رفته‌است(ر.ک؛ رجیبی، ۱۳۸۳: ۱۰). بنا بر این، دو شاخصه اصلی تفسیر عبارت است از: الف. تبیین مفاد استعمالی و ب. بیان مراد جدی خداوند بر اساس ادبیات عرب و اصول عقلایی محاوره(همان: ۱۸-۱۹).

۲-۳-۲. ارتباط تدبیر با تفسیر

فهم قرآن دارای مراتب مختلف است؛ برخی از مراتب، وظیفه‌ای همگانی و در توان همه است و برخی تخصصی و به عهده متخصصان است.

*برخی مفسران اصطلاح «تدبیر» را «تفسیر قرآن به قرآن» معنا کرده‌اند (صادقی تهرانی، ۱۴۱۹: ۵۰۹؛ طباطبائی، ۱۴۱۷، ۱: ۸-۹؛ آملی، ۱۴۲۲، ۱: ۱۳۴).

*تفسیر صحیح همان تدبیر است: در کنار این فهم از «تفسیر» و ذهنیت قبلی که مفسر باید از آن برخوردار باشد، می‌توانیم تفسیر صحیح را که تکیه بر قرآن کریم و سنت نبوی - صلی الله علیه و آله - دارد، و می‌توان آن را «تدبیر» نام نهاد، از تفسیر باطل که نام «تفسیر به رأی» بر آن اطلاق می‌شود، متمایز گردانیم (ر.ک؛ حکیم و لسانی فشارکی، ۱۳۷۸: ۲۴۱).

*برخی محققان دو واژه تفسیر و تدبیر را به یک معنا به کار برده و به یکدیگر عطف نموده‌اند (ر.ک؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱۰: ۲۶۱؛ شاکر، ۱۳۷۶: ۲۳؛ آل موسی، ۱۴۳۰: ۱۹۵-۱۹۷ و ۲۰۹-۲۱۰).

*تفسیر قرآن کریم یکی از مراتب تخصصی تدبیر در آن می‌باشد: «تدبیر در حد تخصصی» با «حقیقت تفسیر» وحدت دارد لیکن با «واقعیت تفسیر» لزوماً همسانی ندارد. بنابر این «تدبیر» با «حقیقت تفسیر» رابطه «عموم و خصوص مطلق» دارد اما با «تفسیر مصطلح» رابطه‌اش «عموم و خصوص من وجه» می‌باشد که نه هر «تدبیری»، «تفسیر مصطلح» را در پی دارد و نه هر «تفسیر مصطلحی» با «تدبیر» همراه است بلکه بعضی از «تفاسیر مصطلح»، «تدبیر تخصصی» را در ضمن خویش به همراه دارد (ر.ک؛ نقی پورفر، ۱۳۸۱: ۳۷۳؛ رک: مجلسی، ۱۴۰۳، ۷۵: ۲۷۸). تدبیر عموم مردم در محدوده عبارات قرآن مجید است و فقط از قرائت جملات و آیات و از مفاهیم لغوی و ترجمه آنها بهره‌مند می‌شوند و احیاناً با مطالعه تفسیر، حقایقی از قرآن را درمی‌یابند. اما دایره افرادی که در مرتبه تفسیر تدبیر می‌نمایند بسیار محدودتر است. تدبیر در این مرتبه مخصوص کسانی

۱. مقصود تفاسیری است که در طول تاریخ اسلام، نوشته یا گفته شده است.

است که مجهز به علوم قرآنی و عالم به علم تفسیر می‌باشند و می‌توانند با کوشش علمی خود، در کنار طهارت روحی به اشارات قرآن دست یابند(همان). بنابراین تفسیر قرآن کریم یکی از مراتب تخصصی تدبیر در آن می‌باشد. ضمن این که خداوند وظیفه تدبیر در قرآن را بر دوش همه بندگان نهاده اما تفسیر قرآن را از همگان طلب ننموده‌است.

۲-۳-۳. تأویل

این واژه ۱۷ بار در قرآن ذکر شده‌است؛ در ۱۵ آیه و ۷ سوره. ۱۲ بار آن در مورد غیر قرآن و ۵ بار آن در مورد قرآن می‌باشد. تأویل قرآن، مقوله‌ای است که درباره آن اختلاف نظرهای زیادی وجود دارد و شاید بتوان گفت تعریف جامع و مانعی که مورد قبول همه دانشمندان باشد ارائه نشده است. تأویل از ریشه «أول» به معنای «رجوع به اصل» می‌باشد(ر.ک؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۹۹). بسیاری از قدام تأویل را مترادف با تفسیر می‌دانستند، اما متأخرین تأویل را به «بردن لفظ در معنایی غیر از معنای ظاهریش» معنا می‌کنند و این دو با هم تفاوت آشکاری دارد(ر.ک؛ شاکر، ۱۳۷۶: ۲۳). رجبی مجموع معانی این واژه را در سه دسته ذیل قرار داده‌است:

- بازگرداندن چیزی به هدف آن یا سخنی به مقصود و مراد از آن.
 - تفسیر و بیان مقصود و مراد پنهان از یک شیء یا سخن.
 - حقیقت یا معنایی که شیء یا کلام به آن باز می‌گردد(ر.ک؛ رجبی، ۱۳۸۳: ۱۹).
- در تحقیقی که در این رابطه انجام شده، محقق پس از بررسی آرا و دیدگاه‌های مختلف، در یک جمع‌بندی کلی، پنج مرتبه برای تأویل ذکر کرده است. بر اساس تحقیق مذکور، آگاهان به تأویل را می‌توان در دو دسته کلی قرار داد:
- دسته اول(مرتبه اول تا چهارم): تأویل به معنای حقیقت خارج آیه، معنای باطنی آیه، مصادیق پنهان آیه، لوازم غیر بین آیه؛ آگاهی به آن مختص خداوند است و خداوند علم آن را به راسخان در علم نیز اعطا نموده‌است.

دسته دوم (مرتبه پنجم): تأویل به معنای انتزاع مفهوم عام و گسترده از آیه که دارای ضابطه و ملاک است. همگان با رعایت ضوابط می‌توانند از آن آگاه شوند (ر.ک؛ محمدی فام، ۱۳۹۰: ۷۸).

گروه کثیری از عالمان، مفهوم تأویل را همان باطن آیات قرآن ذکر کرده‌اند (ر.ک؛ صفار، ۱۴۰۴، ۱: ۱۹۶؛ آلوسی، ۱۴۰۵، ۱: ۸؛ معرفت، ۱۳۷۹، ۱: ۲۴؛ زمانی، ۱۳۷۸: ۱۰۷). میرباقری (۱۳۸۵) ضمن تقسیم‌بندی باطن قرآن - از جهت دسترسی - رابطه آن با تدبیر را نیز تبیین نموده است. در صورت یکسان در نظر گرفتن مفهوم تأویل قرآن با باطن آن، در تقسیم بندی مذکور می‌توان به جای لفظ باطن، کلمه تأویل قرار داد؛ در آن صورت با توجه به موارد ذکر شده و تقسیم‌بندی اخیر، تأویل آیات الهی را می‌توان در دو دسته ذیل قرار داد:

الف. باطن (تأویل) = معنایی که الفاظ بدان دلالت دارند ولی نه با نگاه اول بلکه پس از غور و تأمل و تدبیر و با در نظر گرفتن آرایه‌های ادبی هم چون استعاره و تمثیل و ...

ب. باطن (تأویل) = معنایی که از مسیر دلالت لفظ - نه با نگاه اول و نه پس از تدبیر و تأمل - راهی بدان نباشد، بلکه معنایی سری و پشت پرده است که لفظ به نوعی با آن مرتبط است، ولی آن ارتباط هم به گونه‌ای نیست که بتوان با نظری قطعی آن را دریافت و بازگو نمود؛ بلکه درک آن نیازمند به اطلاعات جانبی است که آن خود نیز از رموز عالم غیب است.

۲-۳-۴. رابطه تدبیر با تأویل

با توجه به موارد فوق، تأویل بخشی از قرآن در انحصار خداوند و راسخان در علم است. بنابراین، همگان هر قدر در قرآن تدبیر نمایند و به هر اندازه از طهارت برخوردار باشند، صلاحیت دسترسی به این مرتبه را ندارند لذا، برای بهره‌مندی از معارف این جایگاه، چاره‌ای جز مراجعه به معصومان (ع) نیست. اما دسترسی به قسم دیگر تأویل قرآن برای غیر معصوم ممکن است؛ یعنی عموم مردم می‌توانند با کسب مقدمات لازم و رعایت ضوابط و شرایط، در این مرتبه تدبیر نمایند و متناسب با تلاش فکری و طهارت روحی خود از معارف این قسمت بهره‌مند شوند.

۲-۳-۵. رابطه بین تدبیر، تفسیر و تأویل

بنابراین، با توجه به آنچه که گذشت، پیرامون رابطه بین تدبیر، تفسیر و تأویل می‌توان این-چنین بیان کرد که: تدبیر وظیفه‌ای عام و همگانی است (نساء/۸۲)، اما تفسیر قرآن اختصاص به گروه خاصی از عالمان دارد. مفسران قادرند با تدبیر در سطحی تخصصی‌تر و بالاتر، در اعماق بیشتری از دریای عمیق و بی‌پایان بحر قرآن غواصی کنند و مرواریدهای افزون‌تری صید نمایند. لذا تفسیر، مرحله‌ای تخصصی از تدبیر عمومی قرآن محسوب می‌شود.

آیات قرآن و روایات معصومان(ع) تصریح دارند که علم به تأویل قرآن انحصاری است و دست‌یابی به برخی مراتب باطن قرآن دور از دسترس غیرمعصوم است و به خداوند متعال و راسخان در علم اختصاص دارد؛ لذا همگان هر قدر تلاش و کوشش نمایند نمی‌توانند در این وادی گام نهند(ر.ک؛ میرباقری، ۱۳۸۵: ۲۹۲). از این رو تدبیر نمودن غیر معصوم در این عرصه ثمری برای وی نخواهد داشت. بنابر این با توجه به ذومراتب بودن مفاهیم قرآن کریم، تدبیر در قرآن نیز دارای مراتبی است؛ تدبیر عمومی، تدبیر تخصصی و تدبیر انحصاری؛ لذا می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که بین این سه واژه - از نظر وظیفه مردم نسبت به قرآن کریم - رابطه عموم و خصوص و اخص برقرار است. نمودار ذیل بیانگر رابطه تدبیر، تفسیر و تأویل است.

عنوان نمودار: رابطه تدبیر، تفسیر و تأویل



۳. تعریف تدبّر موضوعی

تعریف تدبّر - به صورت مطلق - از نظر گذشت؛ به دلیل وجود وجوه اشتراک زیاد بین تفسیر موضوعی و تدبّر موضوعی، ابتدا تعریف تفسیر موضوعی ارائه می‌گردد؛ سپس وجوه اشتراک و افتراق بین این دو اصطلاح بیان می‌گردد تا از مقایسه و تطبیق شیوه‌های انجام تفسیر موضوعی و تدبّر موضوعی، ماهیت تدبّر موضوعی آشکار گردد.

۳-۱. تعریف تفسیر موضوعی

بعضی از تعاریف، تفسیر موضوعی را به عنوان یک علم و بعضی دیگر آن را به عنوان کاری از مفسر معرفی می‌کنند، چنان که بعضی گفته‌اند: تفسیر موضوعی علمی است که با گردآوری آیات پراکنده در سوره‌های قرآن درباره قضایای مختلف قرآن کریم - که دارای وحدت معنا یا وحدت غرض هستند - بحث می‌کند و با روش معین و شرایط خاص به بیان معنای آیات پرداخته، با ایجاد ارتباط میان آن‌ها به استخراج عناصر آن‌ها می‌پردازد (ر.ک؛ سعید، ۱۴۰۶: ۲۰-۲۱). از نظر شهید صدر، تفسیر موضوعی کوششی بشری است در فهم روشمند پاسخی از قرآن در سایه گردآوری - مبتنی بر تئوری - آیات، به مسائل و موضوعات زنده عملی و نظری - برخاسته از معارف بشری و احوال حیات جمعی - که انتظار می‌رود قرآن سخن حقی در آن باره داشته باشد (ر.ک؛ صدر، ۱۴۳۴: ۳۵-۳۶). بر اساس دیدگاه آیت‌الله مکارم، تفسیر موضوعی عبارت است از جمع‌آوری و جمع‌بندی آیات مختلفی که درباره یک موضوع در سرتاسر قرآن مجید در مناسبت‌های مختلف آمده است به منظور استخراج نظر قرآن درباره ماهیت موضوع و ابعاد گوناگون آن (ر.ک؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ۱: ۲۱). توضیح اجمالی این روش بدین گونه است که پس از گردآوری و تفسیر آیات ناظر به موضوع، از عرضه و سنجش مفاهیم آیات با یکدیگر، آموزه یا نظریه قرآنی آشکار می‌گردد (ر.ک؛ حکیم، ۱۴۱۷: ۳۴۶؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۳۸۱).

۲-۳. تدبیر موضوعی از دیدگاه صاحب‌نظران

با توجه به نوظهور بودن اصطلاح «تدبیر موضوعی»، پژوهشگران معدودی به صورت مستقل به این مهم پرداخته‌اند، لذا تعریف‌های اندکی ارائه شده‌است از جمله:

الف. شیخ علی آل موسی تعریفی که دکتر العیص برای تفسیر موضوعی بیان کرده را به عنوان تعریف تدبیر موضوعی برگزیده‌است. از نظر العیص، تفسیر موضوعی (تدبیر موضوعی) عبارت است از: علم است یعنی با کشف موضع‌گیری قرآن از موضوع‌های مختلف، بر پایه آن چه که از آیات به آن مربوط می‌شود، ضمن روشی که دارای زمینه‌ها و گام‌هایی است (ر.ک؛ العیص، ۱۴۲۶: ۲۱).

ب. تدبیر موضوعی، تفهّم مجموعیِ روشمندِ یک موضوع در قرآن است (ر.ک؛ الهی‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۷).

ج. تحقیق (تدبیر) موضوعی یعنی شناخت جایگاه، معنا، مفهوم و کاربرد دقیق کلمه موضوع مورد

نظر در قرآن (ر.ک؛ لسانی فشارکی و مرادی زنجانی، ۱۳۹۶: ۱۰۳).

د. برخی کشف پیام محوری و اصلی سوره را نیز در زمره‌ی تدبیر موضوعی به شمار آورده‌اند. مبنای این نوع دسته‌بندی، پذیرش وجود وحدت موضوعی سوره است (ر.ک؛ آل موسی، ۱۴۳۰: ۲۱۰؛ الخضری، ۲۰۱۶: ۱۸؛ الخالدی، ۱۴۳۳: ۶۴). در این نظریه برای هر سوره تنها یک موضوع اصلی و محوری ثابت می‌شود و مفسر باید با تدبیر فراوان در محتوای یک سوره به کشف موضوع اصلی و اهداف و مقاصد آن سوره دست یابد. سپس همه آیات آن سوره را در ارتباط با موضوع اصلی و در جهت اهداف و مقاصد سوره تفسیر کند (ر.ک؛ مسلم، ۱۴۲۱: ۲۸-۲۹؛ الخالدی، ۱۴۳۳: ۶۴-۶۸).

۳-۳. رابطه تدبیر موضوعی با تفسیر موضوعی

تدبیر موضوعی با فراهم شدن مقدمات آن، وظیفه‌ای عمومی و در توان همگان است. بر خلاف تفسیر موضوعی قرآن، تطبیق قرآن و مانند آن که کاری تخصصی است (ر.ک؛

الهی زاده، ۱۳۹۳: ۱۸). یکی از روش‌های فهم قرآن کریم، پژوهش موضوعی است که به دو صورت تفسیر موضوعی و تدبیر موضوعی انجام می‌شود. رسالت تفسیر موضوعی و تدبیر موضوعی، تبیین نظر قرآن در مورد مسائل و موضوعات مختلفی است که در زندگی بشر مطرح می‌شود. با توجه به عمومی بودن وظیفه تدبیر موضوعی و تخصصی بودن تفسیر موضوعی، ضرورت دارد ارتباط این دو فن با یکدیگر و قلمرو هر یک به درستی تبیین گردد تا تدبیر کنندگان در قرآن با حیطه وظایف خود آشنا شوند. لازم به یادآوری است در این تحقیق، مقصود از «تدبیر»، بیان مفهوم این واژه به صورت مطلق می‌باشد و هر دو قسم تدبیر ترتیبی و تدبیر موضوعی را شامل می‌شود.

۳-۳-۱. مشابهت تدبیر موضوعی با تفسیر موضوعی

مراحل و گام‌هایی که برخی محققان برای تدبیر موضوعی ارائه نموده‌اند با مراحل و گام‌های تفسیر موضوعی انطباق دارد. برای اثبات مدعای فوق، مراحل که برای انجام تدبیر موضوعی عرضه گردیده است با دو مورد از مراحل انجام تفسیر موضوعی مقایسه می‌شود.

۳-۳-۱-۱. مراحل و گام‌های انجام تدبیر موضوع

۳-۳-۱-۱-۱. روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم دکتر لسانی فشارکی و

مرادی زنجانی

تدبیر موضوعی در این شیوه، طی چهار مرحله کلی صورت می‌پذیرد.

الف. مرحله مقدماتی (انتخاب عنوان و کلیدواژه‌های آن)

ب. مرحله مفهوم یابی

ج. مرحله گسترش یا فشرده کردن تحقیق موضوعی

د. مرحله تدوین و تألیف (ر.ک؛ لسانی فشارکی و مرادی زنجانی، ۱۳۹۶: ۲۱-۱۱۴).

۳-۳-۱-۱-۲. روش تدبیر موضوعی محمد حسین الهی‌زاده

این روش نیز در چهار مرحله کلی ذیل انجام می‌شود:

الف. گزینش و تبیین موضوع

ب. جست‌وجوی آیات

ج. فهم

د. تدوین و نگارش (ر.ک؛ الهی‌زاده، ۱۳۹۳: ۴۴-۱۱۳).

۳-۳-۱-۱-۳. روش تدبیر موضوعی شیخ علی آل موسی

مراحل انجام تدبیر موضوعی تجمیعی در این شیوه عبارت است از:

الف. یافتن عنوان و اصطلاح قرآنی

ب. گردآوری آیات

ج. تفکیک و ترتیب آیات

د. بهره‌گرفتن از روایات

ه. استفاده از تفاسیر

و. تطبیق خارجی

ز. استخراج دیدگاه قرآن (ر.ک؛ آل موسی، ۱۴۳۰: ۲۴۱-۴۳۸).

۳-۳-۱-۲. مراحل انجام تفسیر موضوعی

حال که مراحل انجام تدبیر موضوعی از دیدگاه سه محقق ارائه گردید، مراحل انجام

تفسیر موضوعی نیز ارائه می‌شود تا با مقایسه گام‌های هر شیوه با یکدیگر، وجوه تشابه و

تمایز دو روش مشخص گردد.

۳-۳-۱-۲-۱. روش تفسیر موضوعی پیام قرآن

مراحل و روش تفسیر موضوعی به کار رفته در کتاب پیام قرآن طبق بیان مؤلف آن عبارت است از:

- الف. گردآوری تمام آیات مرتبط با یک موضوع در سرتاسر قرآن
- ب. تفسیر یک یک آیات
- ج. کشف ارتباط آیات با یکدیگر و جمع‌بندی از محتوای مجموع آنها (ر.ک؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ۱: ۵۰).

۳-۳-۱-۲-۲. مراحل انجام تفسیر موضوعی از منظر آیت‌الله مصباح یزدی

- الف. انتخاب موضوع یا مسأله
- ب. تحدید مفهومی موضوع یا مسأله
- ج. استخراج و گردآوری آیات مرتبط با موضوع یا مسأله
- د. تعیین حدود دلالت آیات
- ه. تعیین نوع ارتباط آیه با موضوع
- و. دسته‌بندی منطقی ریزموضوعات
- ز. تفسیر هر یک از آیات گردآوری شده (ر.ک؛ رجبی، ۱۳۸۸: ۱۱-۱۶).

۳-۳-۱-۲-۳. مراحل تفسیر موضوعی طبق کتاب پژوهشی در تفسیر

موضوعی

- الف. انتخاب عنوان موضوع قرآنی
- ب. گردآوری آیات قرآنی پیرامون این موضوع
- ج. دسته‌بندی آیات
- د. بررسی کامل تفسیر این آیات با رجوع به کتاب‌های تفسیر ترتیبی
- ه. استنباط عناصر و درون‌مایه‌های بنیادین موضوع بر پایه رهنمودها و سودهی‌های قرآنی

و. ارائه فهم‌های خود به سایر آیات و روایات
 ز. فصل‌بندی مطالب استنباط شده و استخراج عنصر بنیادین و کلی موضوع (ر.ک؛
 خاتون‌قدمی، ۱۳۹۲: ۷۴-۷۵).

لازم به ذکر است که به صورت کلی در مورد روش پژوهش موضوعی قرآن کریم - اعم از تدبیر موضوعی و تفسیر موضوعی - بر خلاف تفسیر ترتیبی که مشتمل بر چند روش تفسیری می‌باشد و مفسران ترتیبی به حسب علاقه و ذوق خویش وارد آن شده و به زعم خویش آن را تفسیر کرده‌اند، در روش موضوعی که سعی مفسران بر دریافت سخن قرآنی و پاسخ‌گویی به مسائل از طریق قرآن می‌باشد، تنها یک راه در فهم و یافتن جواب سؤال وجود دارد تا بحث موضوعی از دیدگاه قرآن ارائه شود و مانند روش تفسیر قرآن به قرآن یک روش بیشتر نیست (ر.ک؛ یدالله‌پور، ۱۳۸۳: ۳۱).

بنابر این همان‌گونه که گذشت، محورهای اصلی تدبیر موضوعی و تفسیر موضوعی در میدان عمل، تقریباً یکسان است؛ با این تفاوت که در انجام تفسیر موضوعی، تفسیر هر یک از آیات گردآوری شده یا مراجعه به تفاسیر ترتیبی، یکی از مراحل اصلی می‌باشد در حالی که این مرحله در فرآیند تدبیر موضوعی جزء مراحل اصلی لحاظ نمی‌شود. از این رو موارد ذیل را می‌توان به عنوان محورهای اصلی و مشترک در شیوه‌های تدبیر موضوعی و تفسیر موضوعی مشاهده نمود:

- گام نخست: انتخاب موضوع
- گام دوم: استخراج و گردآوری آیات مرتبط با موضوع
- گام سوم: دسته‌بندی، تفکیک و ترتیب آیات
- گام چهارم: فهم نفسی آیات
- گام پنجم: فهم مجموعی و استنباط کلی
- گام ششم: تدوین، نگارش و استخراج دیدگاه قرآنی

۳-۲-۳. تفاوت‌های تدبیر موضوعی با تفسیر موضوعی

در منابعی که توسط نگارنده مورد مطالعه قرار گرفته، به این مهم کمتر پرداخته شده است؛ تنها در یک اثر، برخی از تفاوت‌های تدبیر موضوعی و تفسیر موضوعی به شرح ذیل احصا گردیده است:

الف. در تدبیر موضوعی فقط به هماهنگی آیات نگاه می‌شود، ولی در تفسیر باید به هماهنگی قرآن و انسان (فطرت) و جهان (نظام جهان) نیز توجه شود.

ب. منبع تدبیر موضوعی از قرآن است، ولی در تفسیر موضوعی از روایات، عقل و ... نیز بهره جسته می‌شود.

ج. حجیت و استناد تفسیر موضوعی نیاز به اعتبارسنجی دارد، ولی تدبیر موضوعی به خودی خود حجت است و نیازی به اعتبارسنجی ندارد.

د. مهارت تدبیر موضوعی ساده‌تر از تفسیر موضوعی است.

هـ. قواعد به کار برده شده در تدبیر موضوعی ساده است، ولی در تفسیر، قواعد پیچیده اصولی نیز جای گرفته است.

و. تدبیر موضوعی وظیفه‌ای همگانی و در توان همگان است، ولی تفسیر موضوعی کاری تخصصی و وظیفه متخصصان دینی است.

ز. در تفسیر موضوعی، تبیین همه جانبه هدف است تا پاسخ پرسش‌های پیرامون یک موضوع کشف شود، ولی در تدبیر موضوعی ایجاد فهم نخستین از یک موضوع قرآنی هدف است.

ح. در تدبیر موضوعی تنها لوازم بین کاربرد دارد، ولی در تفسیر موضوعی علاوه بر آن از لوازم غیربیین همچون تناسب‌ها، اشارات و ... نیز می‌توان بهره برد (ر.ک؛ الهی‌زاده، ۱۳۹۳: ۲۷-۲۸).

پیشتر ثابت گردید، بین تدبیر و تفسیر رابطه عموم و خصوص برقرار است؛ با توجه به مطلق در نظر گرفتن مفهوم تدبیر - در این پژوهش - ارتباط عموم و خصوص بین تدبیر موضوعی و تفسیر موضوعی نیز برقرار می‌باشد. از این رو تفسیر موضوعی قرآن کریم

یکی از مراتب تخصصی تدبیر موضوعی می‌باشد. به عبارت دیگر، اگر در تدبیر موضوعی از کلیدها و ابزارهای تخصصی ویژه علم تفسیر بهره گرفته شود، موجب می‌شود تدبیر موضوعی به مرحله‌ای تخصصی‌تر و عالی‌تر ارتقا یابد که در واقع همان تفسیر موضوعی است.

۳-۴. خاستگاه انتخاب موضوع در تدبیر موضوعی

در مورد منشأ گزینش موضوع در فرآیند تدبیر موضوعی دو دیدگاه وجود دارد:

۳-۴-۱. موضوع از درون قرآن

گروهی از محققان موضوعی، بر مبنای پیش‌فرض‌ها و اصولی که پذیرفته‌اند، تنها به مضامین آشکار آیات توجه می‌کنند. ایشان با استناد به این که قرآن کریم ﴿تَبَيَّنَّا لَكُلِّ شَيْءٍ﴾ (النحل/۸۹) است، موضوع را برآمده از قرآن کریم می‌دانند به این معنا که سؤال یا موضوع، از ظاهر آیات قرآن گرفته شده باشد و قرآن آشکارا درباره آن حکمی بیان داشته باشد، مشروط به این که محقق به درستی بتواند کلیدواژه‌های صحیح برای ورود به تحقیق موضوعی در قرآن را به دست آورد (ر.ک؛ سعید، ۱۴۰۶: ۲۰؛ الهی‌زاده، ۱۳۹۳: ۴۴؛ لسانی فشارکی و مرادی‌زنجانی، ۱۳۹۶: ۲۲-۲۷). در این شیوه نخست یکایک مسائل مطرح شده در قرآن را بیرون می‌آورند و سپس آیات مربوط به هریک را جدا و در یک جا گرد آورده و با در نظر گرفتن مجموع آن آیات موضوع را بررسی می‌کنند؛ لذا مسائل برگرفته از قرآن، دسته‌بندی شده، با نظمی طبیعی و به ترتیب، مورد بحث قرار می‌گیرند. در حقیقت، این گونه تفسیر موضوعی، پای سخن قرآن نشستن و گوش فرا دادن به آن است تا خود برای ما سخن گوید و پیام خود را برساند؛ و نقش ما تنها ثبت و ضبط پیام‌های دریافتی از قرآن است (ر.ک؛ معرفت، ۱۳۷۹، ۲: ۵۲۷). بدیهی است در این شیوه، مسائل و موضوعاتی که قرآن آشکارا به آن‌ها پرداخته مورد بررسی قرار نمی‌

گیرند. بنابراین در دیدگاه مذکور، موضوع از خود قرآن استخراج می‌شود (ر.ک؛ صدر، ۱۴۳۴: ۲۹-۳۲ و ۳۵-۳۶).

۳-۴-۲. موضوع خارج از قرآن کریم

طبق نظر گروهی از صاحب‌نظران، موضوع در فرآیند تدبیر موضوعی واقعیتی خارجی است. بر اساس دیدگاه ایشان، تدبیر کننده ابتدا به یکی از موضوعات و مشکلات و پدیده‌های عینی زندگی اعم از عقیدتی، اجتماعی و پدیده‌های هستی نظر افکنده، همه تجارب بشری درباره آن موضوع و مشکل عینی و راه‌حل‌های آن را فراهم می‌آورد و با این باور که قرآن همواره پاسخ‌گوی نیازهای روز بشر است، برای دریافت پاسخ قرآن، در آیات آن به تأمل و جست‌وجو می‌پردازد و از راه گفت‌وگو با قرآن و استنتاج و تدبیر در آن، موضع قرآن را درباره آن کشف می‌کند (ر.ک؛ حکیم، ۱۴۱۷: ۳۴۵؛ معرفت، ۱۳۷۹، ۲: ۵۲۷؛ مکارم، ۱۳۸۶: ۱۸؛ صدر، ۱۴۳۴: ۲۳-۲۴ و ۲۹).

مورد زیر نمونه‌ای تدبیر موضوعی است: پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه و آله) در وصیت به ابن مسعود می‌فرماید: يَا ابْنَ مَسْعُودٍ لَا تَتَكَلَّمْ بِالْعِلْمِ إِلَّا بِشَيْءٍ سَمِعْتَهُ وَرَأَيْتَهُ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا»، وَقَالَ «سُتَكْتَبُ شَهَادَتُهُمْ وَيُسْتَلُونَ» وَقَالَ «إِذْ يَتَلَقَى الْمُتَلَقِيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ» وَقَالَ «وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ» (طبرسی، ۱۳۷۰: ۴۵۵)؛ ای پسر مسعود! نگو که چیزی را می‌دانی، مگر آن که آن را شنیده و دیده باشی، چرا که خداوند می‌فرماید «چیزی را که بدان علم نداری دنبال مکن، زیرا گوش و چشم و قلب همه مورد پرسش واقع خواهند شد» و «گواهی ایشان به زودی نوشته می‌شود و [از آن] پرسیده خواهد شد» و «چون فراگیران که از راست و از چپ او کمین‌دار هستند، [کارها و سخنان او را] فراگیرند، سخنی به زبان نمی‌آورد، مگر آن که نگهبان حاضر و ناظری نزد اوست» و «ما از شاهرگش به او نزدیک‌تریم». پیام‌آور رحمت حضرت محمد (ص)، به منظور هشدار دادن به ابن مسعود در مورد عواقب سخن

گفتن بدون علم و یقین، هم‌چنین یادآوری علم خداوند نسبت به گفتار و رفتار بندگان، با ارائه چند آیه و عبارت، دیدگاه قرآن کریم را برای وی بیان می‌کند. حضرت، با بهره‌گیری از آیه شریفه ۳۶ از سوره اسراء، ضرورت سخن گفتن از روی علم و مسئول بودن انسان در قبال گوش و چشم و قلب را متذکر می‌شود. سپس با استناد به آیه ۱۹ از سوره زخرف، به ابن مسعود هشدار می‌دهد که همین اعضا در روز قیامت بر علیه انسان گواهی خواهند داد. پس از آن با استفاده از آیات ۱۷ و ۱۸ سوره ق، به وی گوشزد می‌نماید که دو فرشته دائماً تمام سخنان انسان را ثبت و ضبط می‌کنند و در نهایت با نقل آیه ۱۶ از همان سوره، او را یادآور می‌شود که خداوند حتی از شاه‌رگ گردن نیز به انسان نزدیک‌تر است. همچنان که مشاهده می‌شود، دلالت آیات فوق در رساندن پیام‌های خویش بسیار آشکار و روشن است و پیامبر گرامی اسلام (ص) فقط با ترتیب صحیح آیات و بیان آن‌ها در پی یکدیگر، ابن مسعود را از دیدگاه قرآن پیرامون موضوع مذکور آگاه می‌کند. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، در این نمونه از تدبیر موضوعی، به علت دلالت آشکار آیات نسبت به یکدیگر، عملیات تفسیری و تدبیری خاصی صورت نگرفته است.

۳-۵. تدبیر ترتیبی مقدمه تدبیر موضوعی

همان‌گونه که مشخص گردید، تدبیر موضوعی مرحله‌ای تخصصی از تدبیر است. با این نگاه در ذیل، هر جا سخن از تفسیر موضوعی رفته مقصود همان مرحله تخصصی تدبیر در قرآن است. لازمه تدبیر موضوعی صحیح، فهم درست و استخراج پیام‌های تک‌تک آیاتی است که پیرامون یک موضوع در یک دسته قرار دارد. لذا تدبیر موضوعی ناگزیر از بهره‌جستن از یافته‌های تدبیر ترتیبی است. در همین رابطه چند مورد از دیدگاه‌های صاحب‌نظران ارائه می‌شود:

الف. اگر ترکیب و تلفیق فهم‌ها و مدالیل آیات مربوط به یک موضوع، اساس تفسیر موضوعی است، فهم مدلول یکایک آیات، عین تفسیر ترتیبی است یعنی تفسیر موضوعی

دقیقاً بر مائده تفسیر ترتیبی می‌نشیند و از نعیم او بهره می‌جوید. بدین لحاظ، استغنا از تفسیر ترتیبی معنا و مفهوم محصلی ندارد و تفسیر موضوعی گام دوّمی است که مفسرین پس از برداشتن گام اوّل (یعنی تفسیر ترتیبی) پیش می‌نهند (ر.ک؛ جلیلی، ۱۳۷۲: ۴۹).

ب. به طور طبیعی رویکرد موضوع محور نیازمند معناشناسی مدلول‌های تفکیک شده هر یک از آیاتی است که در چارچوب پژوهش خود، مورد بررسی قرار می‌دهد (ر.ک؛ صدر، ۱۳۹۵: ۳۴). تفسیر موضوع محور، در این میدان، بهترین رویکرد تفسیری است؛ اما نباید گمان شود که این سخن به معنای بی‌نیازی از تفسیر جزئی‌نگر است. این برتری به معنای جایگزینی یک رویکرد با رویکرد دیگر یا کنار گذاشتن کلی شیوه جزئی‌نگر و بسنده کردن به شیوه موضوع محور نیست (ر.ک؛ همان: ۵۶).

ج. تدبّر موضوعی در توضیح مفاهیم لفظی و مدلولات جزئی، و زوایای تفصیلی فرعی به تدبّر ترتیبی نیاز دارد تا تدبّر موضوعی بر مبنای ساختاری مناسب، دیدگاه مناسبی از موضوع مورد بحث ارائه دهد، بنابر این گاهی تدبّر ترتیبی به عنوان بذریه‌ای در نظر گرفته می‌شود که تدبّر کننده از طریق آن به دیدگاهی یکپارچه و خالص از مسائل دست می‌یابد (ر.ک؛ آل موسی، ۱۴۳۰: ۲۰۳).

نتیجه‌گیری

یکی از دلایل ماندگاری و پویایی قرآن کریم، نحوه ترتیب و دسته‌بندی آیات آن در مصحف شریف است. برای دست‌یابی به دیدگاه قرآن پیرامون موضوعات مختلف، دیدن یک یا دو آیه به تنهایی کفایت نمی‌کند؛ لازمه تحقق این مهم، نگرش جامع و هماهنگ به تمام آیات هم مضمون است. لذا کشف نظر جامع قرآن از طریق پژوهش‌های موضوعی ممکن است. بنابر این، تدبّر موضوعی از نظر ماهیت، همان تدبّر ترتیبی است و از نظر انتخاب آیات، همانند تفسیر موضوعی می‌باشد. در این شیوه به جای این که سوره‌ها را آیه به آیه به ترتیب بحث کند، آیات گوناگون در یک موضوع از تمام قرآن که در حوادث و فرصت‌های مختلف نازل شده، گردآوری و جمع‌بندی می‌شود و سعی

می‌شود از تدبیر در مجموع آن‌ها نظر قرآن درباره ابعاد آن موضوع روشن گردد. این روش یک امتیاز بزرگ نسبت به تدبیر ترتیبی دارد و آن، جامع طرح نمودن موضوع می‌باشد. و اگر موضوع با همه جوانب و سؤال‌ها و شبهات طرح شود، بهتر مخاطب را ارضا می‌کند و حالت انتظار یا ابهام و شبهات بدون جواب ایجاد نمی‌کند. و دیدگاه نهایی قرآن را در آن موضوع ممکن است به دست آورد. با توجه به ذمراتب بودن مفاهیم قرآن کریم، تدبیر در آیات آن - اعم از ترتیبی یا موضوعی - نیز دارای درجاتی است؛ تدبیر عمومی، تدبیر تخصصی (تفسیر) و تدبیر انحصاری (تأویل). بین سه اصطلاح تدبیر، تفسیر و تأویل - از نظر وظیفه مردم نسبت به قرآن کریم - رابطه عموم و خصوص و اخص برقرار است. پایین‌ترین سطح تدبیر یعنی تدبیر عمومی در قرآن، وظیفه‌ای است که خداوند همگان را بر انجام آن مکلف ساخته است. بهره گرفتن از کلیدها و ابزارهای تخصصی ویژه علم تفسیر هنگام تدبیر موضوعی در قرآن، موجب ارتقاء تدبیر موضوعی به مرحله‌ای تخصصی‌تر و عالی‌تر می‌گردد که در واقع همان تدبیر موضوعی تخصصی یا تفسیر موضوعی است. بر اساس دیدگاه بسیاری از صاحب‌نظران، تأویل بخشی از آیات الهی در انحصار خداوند متعال و معصومان - علیهم السلام - است، لذا تدبیر غیر معصوم برای تأویل این بخش از قرآن کریم - حقیقت و باطن کلام الهی - هیچ ثمری نخواهد داشت و تنها معصومان - علیهم السلام - هستند که می‌توانند در این سطح از خزاین پروردگار تدبیر نمایند. از این رو تنها راه دسترسی عموم به گوهرهای این مرتبه از فهم قرآن، اتصال و توسل به آن ذوات نورانی - علیهم السلام - است. لازمه تدبیر موضوعی صحیح، فهم درست و استخراج پیام‌های تک‌تک آیاتی است که پیرامون یک موضوع در یک دسته قرار گرفته است از این رو تدبیر ترتیبی مقدمه و پیش‌نیاز تدبیر موضوعی به شمار می‌آید.

منابع

قرآن کریم.

- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. چاپ سوم. بیروت: دار صادر.
- اسفرائینی، ابوالمظفر شاهفور بن طاهر. (۱۳۷۵). *تاج التراجم فی تفسیر القرآن للاعاجم*. چاپ اول. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- آل موسی، علی. (۱۴۳۰ق). *التدبر الموضوعی فی القرآن الکریم*. بیروت: دار کمیل للطباعة و النشر.
- آلوسی، سید محمود. (۱۴۱۵ق). *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*. چاپ اول. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- الهی زاده، محمد حسین. (۱۳۹۳). *درسنامه تدبر موضوعی قرآن*. چاپ اول. مشهد: انتشارات مؤسسه فرهنگی تدبر در قرآن و سیره.
- الهی زاده، محمد حسین. (۱۳۹۵). *درسنامه تدبر ترتیبی قرآن*. چاپ اول. مشهد: مؤسسه تدبر در قرآن و سیره.
- آملی، سید حیدر. (۱۴۲۲ق). *تفسیر المحيط الأعظم و البحر الخضم*. چاپ سوم. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
- بخاری، محمد بن اسماعیل. (۱۳۰۴ق). *ارشاد الساری، لشرح صحیح مسلم*. بغداد: المطبعة الامیریة.
- بغدادی، علاء الدین علی بن محمد. (۱۴۱۵ق). *لباب التأویل فی معانی التنزیل*. چاپ اول. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر. (۱۴۱۸ق). *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*. چاپ اول. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- جلیلی، سید هدایت. (۱۳۷۲). *روش شناسی تفاسیر موضوعی قرآن*. تهران: انتشارات کویر.
- جنابی، شهاب و همکاران. (۱۳۹۷). «نظریه مبنای "رهبری تحوّل" در اجتماعات انسانی بر اساس تدبر موضوعی در آیات قرآن کریم». *مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی*. شماره ۱۱. ۷۳-۱۰۰.

- حجازی، محمد محمود. (۱۴۱۳ق). **التفسیر الواضح**. چاپ دهم. بیروت: دارالجلیل الجدید.
- حسینی زبیدی، محمد مرتضی. (۱۴۱۴ق). **تاج العروس من جواهر القاموس**. چاپ دهم. بیروت: دارالفکر.
- حسینی شیرازی، سید محمد. (۱۴۲۳ق). **تبیین القرآن**. چاپ دوم. بیروت: دارالعلوم.
- حکیم، سید محمد باقر و لسانی فشارکی، محمد علی. (۱۳۷۸). **علوم قرآنی**. چاپ اول. تهران: تبیان.
- حکیم، سید محمد باقر. (۱۴۱۷ق). **علوم قرآن**. چاپ سوم. قم: مجمع الفکر الاسلامی.
- خاتون‌قدمی، هاجر. (۱۳۹۲). «تأملی در کتاب پژوهشی در تفسیر موضوعی». **مجله ماه دین**. شماره ۱۸۹، ۷۳-۷۹.
- الخالدی، صلاح عبدالفتاح. (۱۴۳۳ق). **التفسیر الموضوعی بین النظریه و التطبيق**. چاپ سوم. عمان: دارالفنایس.
- الخصری، محمود راغب. (۲۰۱۶م/۱۴۳۷ق). **منهج التدبیر الموضوعی المعاصر للقرآن الکریم**. چاپ اول. ریاض: مکتبه التوبه.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). **المفردات فی غریب القرآن**. چاپ اول. دمشق - بیروت: دارالعلم الدار الشامیه.
- رجبی، محمود. (۱۳۸۳). **روش تفسیر قرآن**. چاپ اول. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- رجبی، محمود. (۱۳۸۸). «تفسیر موضوعی از منظر استاد محمدتقی مصباح». **قرآن شناخت**. پاییز و زمستان ۱۳۸۸، شماره ۴، ۱۱۱-۱۴۶.
- رضایی اصفهانی، محمد علی. (۱۳۸۷). **منطق تفسیر قرآن ۲**. چاپ سوم. قم: جامعه المصطفی العالمیه.
- زمانی، محمدحسن. (۱۳۸۷). **مستشرقان و قرآن**. چاپ دوم. قم: بوستان کتاب.
- زمخشری، محمود. (۱۴۰۷ق). **الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل**. چاپ سوم. بیروت: دار الکتاب العربی.
- سعید، عبد الستار فتح الله. (۱۴۰۶ق). **المدخل الی التفسیر الموضوعی**. چاپ اول. قاهره: دارالطباعة و النشر.

شاکر، محمد کاظم. (۱۳۷۶). **روش‌های تأویل قرآن**. تهران: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی. صادقی تهرانی، محمد. (۱۴۱۹ق). **البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن**. چاپ اول. قم: مؤلف. صدر، سید محمد باقر. (۱۴۳۴ق). **المدرسه القرآنیه**. قم: دار الکتب الاسلامی. ----- (۱۳۹۵). **پژوهش‌های قرآنی**. ترجمه سید جلال میرآقایی. قم: دارالصدر.

صفار، محمد بن حسن. (۱۴۰۴ق). **بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم**. چاپ دوم. قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی. طباطبایی، محمد حسین. (۱۴۱۷ق). **المیزان فی تفسیر القرآن**. چاپ پنجم. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. طبرسی، حسن بن فضل. (۱۳۷۰). **مکارم الأخلاق**. چاپ چهارم. قم: شریف رضی. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**. تحقیق محمد جواد بلاغی. ج ۱. چاپ سوم. تهران: انتشارات ناصر خسرو. طریحی، فخرالدین. (۱۳۷۵). **مجمع البحرین**. چاپ سوم. تهران: کتابفروشی مرتضوی. طوسی، محمد بن الحسن. (۱۳۷۶). **التبیان فی تفسیر القرآن**. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

علوی نژاد، سید حیدر. (۱۳۸۵). «ظاهر و باطن قرآن در گستره‌ی روایات». **پژوهش‌های قرآنی**. شماره ۵۶، ۱۳۸-۱۷۱. العیص، زید عمر عبدالله. (۱۴۲۶ق). **التفسیر الموضوعی: التأویل و التمثیل**. الرياض: مکتبه الرشد.

فراهیدی، خلیل بن أحمد. (۱۴۰۹ق). **کتاب العین**. ج ۴. قم: هجرت. فیومی، احمد بن احمد. (۱۴۱۴ق). **المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر**. چاپ دوم. قم: دارالهجره.

گنابادی، سلطان محمد. (۱۴۰۸ق). **تفسیر بیان السعاده فی مقامات العباده**. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

- لسانی فشارکی، محمدعلی و مرادی زنجانی، حسین. (۱۳۹۶). **روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم**. چاپ چهارم. قم: بوستان کتاب.
- لکزایی، علی‌رضا. (۱۳۹۱). **نقد و بررسی روش‌های تدبیر در قرآن با تأکید بر روش‌های محمد حسین الهی‌زاده و ولی‌الله نقی‌پورفر**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم و فنون قرآن تهران.
- لکزایی، علی‌رضا و همکاران. (۱۳۹۸). «امکان تدبیر موضوعی در قرآن کریم توسط عموم مردم». **پژوهش‌های قرآن و حدیث**. شماره اول. ۱۱۷-۱۳۶.
- لکزایی، علی‌رضا و همکاران. (۱۳۹۹). **ماهیت و روش‌شناسی تدبیر موضوعی در قرآن کریم با تأکید بر نقد و ارزیابی روش تدبیر موضوعی محمد حسین الهی‌زاده**. رساله دکتری. دانشگاه آزاد اسلامی یزد.
- محمدعلی‌نژاد، عمران. (۱۳۹۴). «تدبیر در فهم قرآن» **سراج منیر**. شماره ۲۰. ۱۴۹-۱۷۳. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). **بحار الانوار**. چاپ دوم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- محمدی‌فام، فریدون. (۱۳۹۰). **نقد و بررسی شاخصه‌های تفسیر، تأویل، و تطبیق**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم و فنون قرآن تهران.
- مرادی زنجانی، حسین و لسانی فشارکی، محمدعلی. (۱۳۸۶). **روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم**. چاپ دوم. زنجان: قلم مهر.
- مسلم، مصطفی. (۱۴۲۱ق). **مباحث فی التفسیر الموضوعی**. دمشق: دارالقلم.
- مصطفوی، حسن. (۱۳۶۸). **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**. چاپ اول. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- معرفت، محمدهادی. (۱۳۷۹). **تفسیر و مفسران**. قم: مؤسسه فرهنگی التمهید.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۷). **پیام قرآن**. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- میرباقری، محسن. (۱۳۸۶). **ظاهر قرآن باطن قرآن**. چاپ اول. تهران: محمد.
- نقی‌پورفر، ولی‌الله. (۱۳۸۷). **پژوهشی پیرامون تدبیر در قرآن**. تهران: اسوه.
- یدالله‌پور، بهروز. (۱۳۸۳). **مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن**. قم: دارالعلم.